

همه پیکر ملی

شماره ۲۱ - سه شنبه ۶ خرداد ماه ۱۳۵۹ - صفحه ۱۰ ریال

چگونگی بازداشت ۹ فرماندار، بخشدار و شهردار کردستان در تهران

۹ نفر از فرمانداران، بخشداران، شهرداران که برای دیدار و مذاکره با مقامات وزارت کشور و رئیس جمهور به تهران آمده بودند بوسیله پاسداران کمیته مرکزی دستگیر شدند و بزندان اوین انتقال یافتند. این عده که روز یکشنبه هفته گذشته به تهران آمده بودند تا با مقامات مسئول در مورد

میلاذ با سعادت علی علیه السلام فرخنده باد

فردا مصادف با سیزدهم رجب، روز ولادت سرور آزادگان و امیر مومنان حضرت علی علیه السلام است که در عالم انسانیت و اقصای بزرگ و رویدادی مهم بشمار میرود و نوبت بخش تکامل و اعتلای آدمی از نظر مکارم اخلاق و سجایای والای بشریت. حضرت علی (ع) بعد از پیامبر گرامی اسلام نخستین مردیست که با شناخت درست درک صحیح از اسلام راستین باین شریعت بقیه در صفحه ۴

این مجلس ...!

فریاد مدرس و مصدق هنوز در این بارگاه طنین افکن است

زندانیانها را مهیا کنید

احمد - علی بابائی
نخست مورد بحث تمام محافل و مجالس و عناصر ذی علاقه گردید. چنانکه وحشت و پریشانی فوق العاده بوجود آورد. در تمام دنیا گشایش

آیا همه دانشمندان و روشنفکران طاغوتی هستند و مغزشان غرب زده است؟

سنگینی بار تاریخ بر شانه های شماست

بهر تقدیر اولین مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران با غیبت نمایندگان از دیدگاه شمشادانه ملت ایران تعطیل عمدی جریان انتخابات در پارهای از شهرستانها نظیر کرمانشاه در آن معنی خصوصی دارد. و انجام بسیاری از فعل و انفعالات در نتایج انتخابات بعضی از حوزه های دیگر

بهمراهی این افتتاح مجموعه حوادث و جریاناتی که در این انتخابات واقع گردیدند از دیدگاه شمشادانه ملت ایران مستور و مخفی نموده است. در بعضی از حوزه ها نمایندگان ملت یا ۶۰۰۰-۷۰۰۰ رای به مجلس راه یافته اند و در مجموع آراء شرکت کنندگان در مقایسه با موارد دیگر چنان سیر نزولی بخود گرفته است که بیشتر بگونه اعتراض و مقاومت منفی مردم ایران تظاهر کرده است. درینجا که فریادهای هشدارگونه عناصر واقع بین و علاقمندان صمیمی نیز در مرکه قدرت طلبی ها، خاموش شد ولی بهر حال این مجلس فردا در کاخ سنای سابق، و مجلس خبرگان بعدی گشایش خواهد یافت تا پایه اصلی نهاد حکومتی و نظام سیاسی آینده تهنات شود.

مناطق و بفرمان ضرورت های غیر قابل انکار و بموجب مقررات آمه و صراحت های قانون اساسی مجلس باید حکومت قانون را جانشین استنباطات فردی و تصمیمات چند نفری کند. تاکنون اتخاذ تصمیم در باره مسائل اساسی کشوری نظیر تشکیل دولت مسئول و انجام اقدام فوری حیاتی دیگر فقط بعلت تمایل بادامه انحصار طلبی ها و خودکامگی ها و بکار بستن مفهوم بفرمان پشاه و بحکم مایرید، موقوف به تشکیل مجلس شده است و جالب این است که بحکایت رسانه های گروهی و مطبوعات در اصلاحات یکشنبه شب شورای انقلاب چنین مقرر شد که تا تصویب اعتبارنامه این آقایان مسئولان کماکان عهده دار مشاغل و مناصب موجود خواهند بود.

در چنین گذرگاه بسیار باریک تاریخ، و در شرایط بی انداز حساس کنونی است که جماعتی با عنوان نمایندگان ملت ایران در اولین مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی به مجلس راه خواهند یافت در برابر تاریخ میایستند و سوگند میخورند که مصالح کشور و منافع ملت را حراست کنند. و شما آقایان نمایندگان بگذریم از اینکه بسیاری از میان شما چگونه و با تمهید چه مقدماتی بنمایندگی مجلس انتخاب شده اید ولی بهر حال شده اید و سنگینی بار تاریخ این کشور بر دوش میکشید. حتما میدانید این مملکت در کجا ایستاده است! انزوی کشور را از نظر بین المللی به آشننگی مطلق در تمام سطوح در همگی شتون مملکت بیافزایند یاس، دلمردگی و اضطراب آحاد افراد ملت را با آن اضافه کنید، صدای امواج خروشان خطرات گوناگون داخلی و خارجی را بشنوید و در آن زمان بوظایف و تکالیف نمایندگی خویش بیاندیشید. یامردانها درک درست از ضرورت های زمان با انتخاب دولت مسئول از میان مردان کارآمد و مجرب و ملت دوست این سرزمین در این طوفان راهی بکناره خواهید جست و به تنگ نظری ها و انحصار طلبی ها و آپس گرائی ها و قدرت طلبی ها و عوام فریبی ها با صراحت و بدون ابهام نه خواهید گفت. و برای راهی خواهید رفت که تاریخ این مرز و بوم هنگامی که بنام شما برسد نفرین و ملامت را فراموش نخواهد کرد. آقایان نمایندگان

در تاریخ این ملت آنجا که پای مصالح عامه و منافع این آب و خاک مطرح میشد دلاورانی بودند که مردانه بوظایف نمایندگی خود قیام و اقدام میکردند به بیند این صدای می شناسید. من ده رئیس الوزرا و چهل پنجاه وزیر دیدم و رد بقیه در صفحه ۴

نمایند و آنرا بتصویب رهبر انقلاب هم برساند پس به اشغال کنندگان - البته به استثنای یک گروه خاص - اولتیماتوم بدهند که هرگاه با موعده معینی دانشگاه را ترک نکنند با همراهی مردم با آنها خواهند رفت و از آنها خواهند خواست تا جاهای اشغال شده را ترک کنند اما قبل از سر آمدن مدت مهلت یک روز بی خبر عده زیادی مردم مجهول - الحال حقایق بدست و برخی هم مسلح که امام ما علی بن ابیطالب (ع) در یکی از خطبه های معروفش آنها را همج رعاع

آمریکایی می تواند بدون یاری اروپا در مقابل شوروی مقاومت کند

در ۶۹ سالگی پس از یک دهه رهبری، تریس برنوکریسیکی صدر اعظم این کشور بعنوان یک سیاستمدار ورزیده که نفوذش به نسبت کوچکی اندازه کشورش خیلی بیشتر است شهرت زیادی بدست آورده است.

با گرایش در کاخ صدارت عظمی یعنی مگاتی که زمانی مترنخ حکومت میکرد بوسیله "ویلیام مدر" و "جراتراد لینگ" از مجله تایم مصاحبه ای یکساعته بعمل آمده است که در آنجا "برگزیده های از آنرا میخوانید: سؤال: اوضاع دنیا را چگونه توصیف میکنید؟ جواب: بطور اجمال میتوانم بگویم که ما از یک سو با نیروی مناسب ناشی از وقایع خاورمیانه، خلیج فارس و افغانستان روبرو هستیم و از طرف دیگر ما با یک آتشفشان غیر واقعی تشنج زدائی سروکار داریم. اتحاد شوروی چنین نتیجه گیری میکند که اعمال سیاست تشنج زدائی جداگانه امکان پذیر است این یک خیال باطل است، اعمال چنین روشی ممکن است برای مدت

ندای آزادی تعطیل شد اعتراض سندیکیای نویسنده گان و خبرنگاران مطبوعات به تعطیل روزنامه ندای آزادی

روزنامه ندای آزادی پس از ۴ روز انتشار مجدد بوسیله چند پاسدار که مدعی مأموریت از سوی داستان انقلاب اسلامی بودند تعطیل شد. در حالیکه مقامات وزارت ارشاد ملی به ناشران روزنامه تاکید کرده اند، امتیازنامه شان بقوت خود باقیست و آنان میتوانند به فعالیت ادامه دهند.

سندیکیای نویسنده گان و خبرنگاران مطبوعات که همواره بر لزوم رعایت آزادی بیان و قلم تاکید دارد اعتراض خود را نسبت به تعطیل غیرقانونی روزنامه ندای آزادی اعلام کرده است. بقیه در صفحه ۳

اقدام جدید ایران در مورد انتقال وجوه نفتی کشور

ایران سرگرم انجام اقداماتی در جهت انتقال درآمد های نفتی خود از بانکهای کشورهای دیگر است. این کشورها شیکه امکان دارد در تحریم اقتصادی علیه این کشور شرکت کنند میباشند تا وجوه مذکور را به بانکهای کشورهای بیطرف از جمله سوئیس، سوئد، اطریش و هند، منتقل نماید. روز گذشته، یک مقام عالی رتبه بانکی این مطلب را که گابالیزه کردن درآمد های نفتی از طریق بانکهای ۴ کشور نامبرده سیاست دولت ایران بوده است، تکذیب نمود. ایران همچنین بمنظور جلوگیری از بلوکه شدن ذخائر ارزی کشور از جانب اروپای غربی و ژاپن، دارائیهای خود را به بانکهای مرکزی

اعلان تاریخ می‌خواهند نام مصدق را به فراموشی بسپارند

حدادی

اگر در یک جامعه‌معیاری برای شناسایی آزادیخواه از مستند وجود ندارد بسبب آنست که هر دو یک واژه را تکرار میکنند "آزادی" مستند بذر استبداد را در سرزمین آزادی می‌فشانند و کسی نمی‌داند آنچه در این مزرعه تخیلی خواهد روئید، نان است یا بلای جان. همانگونه ضد انقلاب تحت نام اسلام به تخریب افکار دست می‌زند و اسلام را پوشش اعمال ضد انقلابی خود قرار میدهد، مستند هم واژه زیبای آزادی را نشواری میکند و با تمسک به حفظ آن به مقاصد شوم خود جامعه عمل می‌پوشاند. استبداد

به هر آنچه که مظاهر حقیقت است شکاک است. او آگاهی توده می‌هراسد، زیرا تبلور افکار جامعه خواستهائی را در پی خواهد داشت. این باصلاح سینه‌چاک آزادی، آنرا بمقتضای زمان برای خویش تفسیر میکند. می‌بندارد آزادی تابعی است از متغیر تمایلات وی. بهمین دلیل برای توجیه اعمال خود دست به مسخ تاریخ می‌زند و از لابلای آن برای خویش سوابقی جسته و با رنگ‌علائق خویش رنگ می‌زند و بخورد جامعه میدهد. می‌گویند ۶۰٪ از ۷۵ درصد جمعیت ایران از نسل جوان است. اگر این

تقریب صحیح باشد، آینده بیشتر باین نسل تعلق خواهد گرفت. این نسل اینبار تجربه آموخته است که تاریخ را چگونه بیابد و چگونه بخواند. همه میدانند سردمداران تحقیر و توهین به مصدق همان شاه آمریکائی بوده است و سالیان درازی بود که در حضور ملت ایران به مرحوم دکتر مصدق ناسزا میگفت. آسایش لحظه‌ای ملت ایران حقیقت را کتمان کرد؟ پس کسانی که به این طریق به شاه و شاهیان بیبوندند و نیت او را تکرار کنند برای ملت ایران روشن خواهد بود که از همپایکی شاه سابق برخوردار هستند. همه

میدانیم بسیار کوشیده‌اند و کتاب نوشته‌اند و تبلیغات کرده‌اند تا خاطر مصدق را از اذهان جامعه بزدایند و مبارزات او را کم بهاء جلوه داده و حتی بی‌شرمانه او را وابسته بغیر جلوه دهند. غافل از اینکه آتش همیشه نمی‌ماند بزریر خاکستر.

و نشان در جملاتی ادیبانه و مظلومانه می‌کوشند دکتر مصدق را بکمان خود لجن مال کنند و بعضی چهره‌های مورد نظر خود را بزرگ جلوه دهند. آنانکه می‌کوشند با واژگون جلوه دادن وقایع، یک گناه تاریخی را از صفحه تاریخ بشویند در اشتباهند.

همه‌مان گسترش فرهنگ اصیل ایرانی با الهام از فرهنگ شرقی اسلام است، از نیش قلم برای مقاصد غیرمنصفانه استفاده نکنیم. قابل انکار نیست که همه انسان‌ها جایز-الخطا هستند اما اگر سعی شود وقایع و حقایق تاریخی واژگون جلوه داده شوند و اینگونه نثریات بی‌نام و نشان در مراکز علمی تدریس شود، چیزی جز بدبینی و یاس نسبت بکل نظام در بر ندارد و دانش آموز یادانشجو ناگزیر نظامی را ببار می‌آورد. چه بدبینی را ببار می‌آورد. چه دانشجو هرگز مطالعات خویش را محصور بکتاب کلاسیک نمی‌کند.

خروج ارز از ایران ضد انقلاب را تقویت می‌کند

همه آنانکه در طول یکسال و اندی پس از انقلاب خونین ارز غیرقانونی فروخته یا خراج کرده‌اند بریش ملت می‌خندند. اکثر صرافی‌ها که از زیرو بم نقل و انتقال ارز نامشروع خبر دارند دم بر نمی‌آورند. اکثر کارکنان زحمتکش بانکها که از این جریانهای مخفی خبر دارند ولی امکان دست‌یابی و ارائه سند ندارند، رنج می‌برند. سوداگران معاملات ارز سیاه چه جنبانهائی که در این آشفته بازار نمی‌کنند؟ چه آنهائیکه راه و چاه خروج ارز را کشف و جعل می‌کردند و چه آنهائی که از آن ابتکارات استفاده کرده‌اند و امروز بخاطر ۱٪ بهره پول خود را از کشوری به کشور دیگر انتقال می‌دهند، باید روزی باین ملت حساب پس بدهند.

سوداگران از آخرین زاویه بازهم استفاده کردند و میکنند. تا نتوانستند در بانکهای مختلف تعهد سپردند و پولها را بردند. زیرا خوب فهمیده بودند، این تعهدها یا کسک است یا کسی بآن رسیدگی نمی‌کند. حالا هم که در برابر گواهی تحصیل میتوانند حواله بگیرند. میبینیم درصد دانشجویان بالای ۵۰ سال بطور سرسام‌آوری بالا رفته است!! آیا جای تعجب نیست آنهائیکه پایشان لب گور است تازه بعد از محدودیت ارزی دانشجو شده‌اند؟! اینان گمان کرده‌اند بآنهمه مفاسد اداری غرب گواهی تحصیلی‌شان معتبر است! گرچه معتبر باشد یا نباشد مهم ارز هست که خارج خواهد شد.

باید تکلیف اینجور گواهی تحصیل‌ها و اینجور آدمها هم روشن شود. بعید نیست همینها که از راه‌های مختلف با هزار دوزو کلک ارز خارج میکنند، با همین پولها در خارج برعلیه انقلاب ما توطئه میکنند. باید چاره‌ای اندیشید و هرچه زودتر بند ناف این رابطه پولی همه وابستگان بطاغوت را قطع کرد. بالاخره باید از یک جا شروع کرد. بر واضح است باید از جایی شروع کرد که نزدیکتر است.

جلو ضرر را هرکجا بگیریم منفعت است. از صرافی‌های عضو شبکه بین‌المللی انتقال ارز شروع کنید. باید دید پول و اطلاعات از کجاها بخارج درز میکند؟ از شرکتیهای چند ملیتی؟ از شرکتیهای بین‌المللی باصلاح حسابرسان خبره؟ از کجا؟ از کانال معاملات بازرگانی؟ با آن بروفرماهای ساختگی؟

آیا جا دارد هنوز شرکتیهای حسابرسی چند ملیتی در ایران فعالیت کنند؟ چگونه است که امپریالیسم قبل از ما بیلان اقتصادی ما را گزارش میدهد. اینهمه آمار و ارقام فعالیت‌های اقتصادی کشور ما که مورد تجزیه و تحلیل آنان واقع میشود صحت آنها را چه عواملی برایشان تأیید میکنند؟ آنها حتی قبل از ما فرصت‌های ضربه پذیری انقلاب را تشخیص میدهند. چرا؟ شرکتیهای حسابرسان خبره و مشکوک براحتی میتوانند با جمع آوری اطلاعات آماری و تجزیه و تحلیل صورتهای مالی و وضع اقتصادی کشور ما را پیش بینی و به عوامل خارجی گزارش کنند. تماسهای تلفنی مدیران فراری با ایادی خود در شرکتها نوع دیگری از این دسیسه‌هاست. دولت نباید تنها

بقیه در صفحه ۳

پس از پانزده‌ماهه که از پیروزی انقلاب تحسین‌آفرین ملت ایران میگردد هنوز آثار شوم دوران طاغوت در کلیه شئون کشور بچشم میخورد و کوچکترین تغییر و تحولی دیده نشده است. ملت که متجاوز از یکسال با مبارزه بی‌امان خود

و دادن ده‌ها هزار کشته و مجروح قهرمانانه کوشید تا به آرمان و آزوی خویش جامعه عمل پوشیده و دست استعمار و استبداد را از امم میهن کوتاه نمود باین امید که پس از سالها محرومیت و خون‌دل‌خوردن فرشته آزادی را در آغوش گرفته و در رفاه و آسایش از کلیه مواهب زندگی برخوردار خواهد شد یکی از آمال دگرگون کردن فرهنگ و آموزش و پرورش کشور بود، در رژیم گذشته

در اثر فشار افکار عمومی کلیه دبستانهای ملی دولتی شد و دیگر شهریه اخذ نکردید، با اینکه تمام درآمد نفت را به جیب میزدند و حقوق‌های کلان

با شخص و نور چشمی‌ها میدادند و آنچه نفت صادر میشد بجای پول فقط اسلحه و مهمات و ابزار جنگی که باید بدست خود آنها یعنی مستشاران - آمریکائی که با حقوق‌های گزاف و سرسام آور بکار برده شود میخریدند جای تعجب و ناسف است که پس از کوتاه شدن دست غارتگران از منابع نفت و خلع ید از کنسرسیوم و بیرون کردن کلیه مستشاران و قطع حقوقهای کلان و برکنار کردن عناصر عاقل و باطل و فروش

روزانه چهار میلیون بشکه نفت خام و افزایش تدریجی بهای نفت که اکنون به ۳ برابر نرخ اولیه رسیده بطور متوسط با استخراج فعلی که روزانه دو

میلیون بشکه است روزانه حدود ششصد میلیون تومان میشود که بهر ایرانی روزانه حدود ۲۰۰ ریال میرسد، بغیر از مصرف داخلی حال بگذریم از سایر درآمدها چگونه بخود اجازه میدهند از دانش‌آموز و دانشجو شهریه اخذ کنند و آنهم با این گرانی سرسام‌آور زندگی که این هم زائیده بی‌لباقتی و ندانم کاری خود آنهاست، دانش‌آموزان و دانشجویان سراسر کشور در طول بیش از یکسال از کلاس

درس بخوابان‌ها ریختند و در برابر تانک و توپ و مسلسل ایستادند و هدف گلوله قرار گرفتند و همیشه در صف اول انقلاب و خطرات

گام نهادند تا آن قدرت جهنمی را که تا دندان مسلح بود برانو درآوردند بآنهمه تبلیغات که کلیه کتب درسی آنها مدح و ثنای طاغوت و طاغوتیان بود و بیش از یک ربع قرن ادامه داشت آيا شما بطور می‌خواهید فعالیت سیاسی و رشد اجتماعی را از آنها سلب کنید. این خیال خام را بپروراند و نتیجه را دید، از مغز خود بیرون کنید اگر دانشگاهی و محصل که چشم

و چراغ آینده کشور است رشد سیاسی نکند پس چه کسی باید دیپلمات و زمام‌دار باشد، این امر و بوم باشد، دلیل بارز دیگری که دال بر این مدعاست کتابهای درسی دانش‌آموزان از دبستان تا دانشگاه است که کافی‌السابق کوچکترین تغییری نکرده، فقط عکسهای آنها حذف شده ولی محتوی همانست که آمریکائی‌ها تدوین کرده‌اند و فرهنگ ما را باین روز انداخته‌اند فرهنگ استعماری و گمب‌کننده و بی‌مفهوم این است نتیجه وعده انقلاب شکوهمند ملت ایران، امید است که متصدیان امور از این خواب خرگوشی بیدار شده و در روش خود تجدید نظر کنند و بیش از این باعث تألم خاطر ملت بیدار و هوشیار نشوند و از گذشته پند بگیرند و بدانند که عقربه زمان به عقب برنمیگردد.

عقر به زمان به عقب بر نمی‌گردد

خامچی

خطری جدی در برابر جامعه انقلابی ایران

ناصر نجمی

اصولی خود بدانند. اما در انقلاب ما بدبختانه چنین نشدو نه تنها مقام انسانها و حیات آدمیان و شخصیت ایشان در سطح بالا و والائی فرارنگرفت، بلکه به مقیاس قابل توجهی خیلی آسان و بسهولت در معرض تجاوز و دستبرد و ملعبه این و آن نیز واقع شد. این مرگ‌ها و کشتارهای آسان که بعضاً "بدن‌ها تکه پاره میشدند و یا تشریح جنازه‌های متلاشی شده در برابر چشم آدمیان که حتی احترام به مردگان را نیز نقض میکرد و این تشویق و دعوت مردم. و خلق خالی‌الذهن که احساسات و عواطف‌شان به سهولت تغییر پذیر است و میتوانستند در زیر پوشش مذهب آنها را بهیجان آورد، به عصیان و هرزه‌درائی و شعارهایی از قبیل فلان آدم محبوب دیروز" اعدام باید گردد، اینها و صدها عامل دیگر حرمت آدمها را بسختی میشدند: اعتلای حقوق و شخصیت و حیات انسانها تا قدرتمندان حاکم درهر شرایطی آنها را برسمیت بشناسند و رعایت آنها را جز وظیفه

عمر به مملکت و ملت خدمت کرده‌اند بسهولت لجن‌مال کند، مقام انسانی چنان در نزد توده‌ها تنزل داده شده که حالا هرکس مختار است که جواب هر کلام و حرف منطقی را با ناسزا و فحش و بدویراه بدهد. و ابدا " رعایت هیچ اصلی از اصول ادب و نزاکت اجتماعی را نکند. آدمها از ترس هرزه‌درائی و بد دهانی دیگران که کمتر مرز وحدودی را می‌شناسند و پای بنداصولی هستند در هر مرتبه و جاه و مقامی اگر با زشت‌ترین و کریه‌ترین اشکال رفتارها مواجه شوند و شاهد عینی باشند از ترس هتاکیهای زبان درگام میکشند و دم بر نمی‌آورند. این حالت عصیان و تمرد و جسارت و گستاخی که امروز عده‌زیادی از مردم را رودر روی یکدیگر قرار داده و آنان را واداشته که بر اثر کمترین اصطکاک و برخوردی بهم جنگ و دندان نشان دهند، طوری اجتماع ما را در هم ریخته که بجای وحدت و همدلی و یگانگی که قاعدتا " میبایست از اصول انسانیت و برادری مذهبی نشأت بگیرد کین و نفاق و

دشمنی در میان خلق برانگیخته است. امروز متأسفانه ما ناظر اشکال نگران‌کننده عصیانها و هرزه‌درائی‌هایی هستیم که همه از پیشرفت این حالت جنون‌آمیز اجتماعی سخت بر خود می‌لرزیم و وحشت‌روزهای آینده روحمان را منقلب میکند این بیرحمی‌ها و بی‌اعتنائی‌ها به حقوق و شخصیت دیگران و آنها که حداقل در گذشته بنا بر سنت‌های دیرین از لحاظ موقعیت و حداقل کهنوت و گذشت ایام احترام و حرمتی داشته‌اند چه چیزی را توجیه میکند و این حالت اعتراض و عصیان بهمه چیز ما را بکجا میبرد؟ آیا در جامعه‌ای که آنقدر خشونت و سختی و بیرحمی حاکم باشد چگونه میتوان امین از تعرض هرکس و ناکس بود، شما که حرف منطقی و حسابی دارید و بخواهید بحکم عرف و مذهب و حفظ جامعه آنرا بطرف بگوئید وقتی با فحش و دشنام و ناسزا مواجه شدید، دیگر چگونه جرات آنرا پیدا خواهید کرد که حقایق را بگوئید و به خاطر سلامت جامعه حالات ناپسند و رفتار نامعقول دیگران

را باز گو کنید، آخر بمن بگوئید بکجا میرویم و بکجا ما را میبرند؟ آیا میخواهید اینها را بحساب مذهب بگذارید، مذهبی که میگوید برادرینی باید از زبان برادر دینی در حرمت و انسانیت، حالت خشونت و تمرد و خودسری و عصیان برضد همه چیز تشویق میکند و حداقل جلوی زبانان را نمی‌گیرد که مردم ناگاه که کمتر از فرهنگ انقلابی و شهروندی آگاهی دارند بجان هم نیفتند و وحدت ما را نه از نظر ملی، بلکه از نظر اسلامی و بزم شام و وحدت انقلابی درهم نریزند. بی‌تأیید این منزلت انسانی را که در کتب آسمانی و حقوق بشر به کرات و مراتب از آن یاد شده، بسهولت زیر پا نگذارید و آنرا مورد تجاوز قرار ندهید، زیرا اگر اصل بر بی‌حرمتی و هتک حیثیت افراد شد، امروز نوبت من است و فردا نوبت شماست و بحکم تجربه هیچکس و هیچ فرد از آسیب آن در امان نیست.

خروج ارز از ایران...

بقیه از صفحه ۲

خود را سرگرم حوادث ظاهری و زود خوردهای تصنعی کند. باید از جریانهای مخفی و زمینه چینی بیگانه که مثل آبهای زیر زمینی بی ساختمان انقلاب را تهدید میکند مطلع شود. شبکه های جاسوس و خرابکاری دشمن تنها زیرعنابین خبرنگاری و مصونیت های سیاسی نیست لذا باید با یک برنامه ریزی دقیق همه درزها و زوایای قابل نفوذ دشمن را بست. تکثیر اعلامیه های ضد انقلابی و افزایش شایعات و مشاهده حرکت های مذبحخانه. مقدمه یک توطئه بزرگ همراه با تحریم اقتصادی است. حرکت های دیده و شنیده میشود که نشانگر تشکل نیروهای ساواک و ایادی امپریالیسم است. بهوش باشیم.

ندای آزادی تعطیل شد...

بقیه از صفحه ۱

میدارد و از مقامات قانونی بویژه وزارت ارشاد ملی و محاکم صالحه که مجری و ناظر "قانون مطبوعات" هستند می خواهد هر چه زودتر امکان رفع محظور از روزنامه ندای آزادی و انتشار مجدد آنرا فراهم آورد. سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات یار دیگر ضرورت حاکمیت قانون را بر همه فعالیتهای مطبوعاتی و انتشاراتی یادآور میشود و توجیهی مقامات دولتی و مسئولان نهادهای انقلابی به قوانین تدوین شده توسط خود آنان را در شرایط حساس کنونی بسیار خطرناک میدانند. روزنامه "ندای آزادی" با امتیاز رسمی وزارت ارشاد ملی انتشار می یافته و هر نوع تخلف از سوی آن نیز میبایست که بر اساس



داستان مصدق و هریمن

تالیف: ورن - س - والتر
ترجمه: حسن شهیدی

او گفت ما علاقتیمدیم بایران کمک کنیم و ما در این مسئله بحث نداریم که ایران حق دارد حاکمیت خود را اعمال کند اما فکر میکنم که یک تعدیل لازم است " مصدق با هیجان از اوضاع اسف بار کارگران پالایشگاه آبادان سخن گفت. بانو هریمن پرسید آیا در آبادان بوده اید؟ و او در حالی که بقیه میخندید پاسخ داد نه " اما شنیده ام که چنین میگویند. اما راجع به ما هنگام این مسافرت آنجا رفتیم و من آنجا از شدت گرما در شرف هلاکت بودم. در ساعت هفت صبح گرمای هوا قریب به پنجاه درجه بود " از آبادان به خرمشهر رفتیم طوابع ایرانی در کنار جاده صف کشیده بودند. در بازگشت متحیر شدم که هنوز آنجا بودند. باور نمی کردم که در آن حرارت کوره مانند کسب بتواند تحمل کند و ساعتها در آنجا باقی بماند. پالایشگاه آبادان عظیم است و برای همه جهانیان دارای اهمیت جهانی است. در شرایط فعلی پالایشگاه مزبور نزدیک بتوقف است زیرا مهندسان انگلیسی که مشغول کار خود بودند غریبت کرده اند. چند مهندس ایرانی که حضور دارند جز مختصری از کارها را نمیتوانند بجزایان بیندازند بعلاوه همچنانکه مصدق برای ما توضیح داد مسئله بازگانی کردن نفت تصفیه شده است " باین توضیح که سایر شرکتهای نفت برای خرید نفت آمادگی کافی ندارند.

قبل از عزیمت ما از ایران مصدق به ما هدایایی داد. من پنج لیور خاویار دریافت کردم. چون من خاویار دوست ندارم بین آشنایانی که بود تقسیم کردم. هریمن چون در ماموریت خود توفیق نیافته بود ناراحت بود. در هواپیما سخنی جالب گفت " او گفت من در حقیقت عادت ندارم شکست بخورم " این امر تجربی فوق العاده بود. هریمن مرا در پاریس تنها گذاشت و پیش از عزیمت بواشنگتن به آیزنهاور نامه ای نوشت تا از خدمات من تشکر کرده باشد. من سیاستگذار اویم زیرا او توضیح داده بود که شکست مذاکرات بهیچوجه بعلت خطای من نبوده. در نتیجه من غالباً با آیزنهاور از مصدق و حوادثی که در ایران روی میداد سخن میگفتم.

من می بینم که چون بعنوان رئیس جمهور با سستی سیاست امریکا را در مقابل کشور مزبور مشخص سازد " مذاکرات ما تا حدی در او تاثیر دارد. اما داستان مصدق در اینجا پایان نیافت. پس از مدتی انگلیسیها او را بدادگاه لاهه طلبیدند. بهمن دستور داده شد تا آنجا بروم و با او به گفتگو بپردازم و از تاملات او مطلع شوم تا بدانم آیا با او میشود توافق کرد یا نه. وقتی بلاهه رسیدم بمهمانخانه هند رفتم که ساخمانی پس کهن و محیطی بس آرام داشت و معمولاً " جهانگردان متشخص بیگانه آنجا میرفتند. اگر چه قبلاً " دستور روز و اطاق نداده بودم مع الوصف فوراً اطاقی در اختیار من گذاشتند. از مصدق پذیرائی مسافران پرسیدم آیا دکتر مصدق در مهمانخانه اقامت دارد یا نه؟ پاسخ داد نه در اینجا اطاقی برای دکتر مصدق نداریم. باو گفتقم نمیفهمم چطور شما برای من اطاق دارید اما برای دکتر مصدق ندارید. گفت مجتراً مثل (Mijneer La Shell) فقط یک شرکت انگلیسی نیست بلکه یک شرکت هلندی نیز بشمار میرود. کسی که با یکی از ما ضدیت داشته باشد با همه ما دشمن است. این امر نشان میداد که شرکتهای نفتی میل نداشتند نفت ملی شود.

اندکی بعد مصدق به نیویورک آمد زیرا انگلیسها دعوی را در ملل متحد طرح کردند. چون او بنظر میرسد که ترجیح میدهد ترجمی غیر ایرانی داشته باشد و این معنی را بمن فهماننده بود. من در معیت معاون نخست وزیر ژرژ مک کی (George Mc Chee) که در مدت اقامت با مصدق در تماس بود عازم امریکا شدم. من تصور میکنم که بدوا مک کی از ملاقات با سربازی خشن که در گفتگوهای ظریف سیاسی او دخیل باشد ناراضیست اما چون هریمن اطمینان داده بود که من میتوانم در ایجاد جوی مطبوع شرکت کنم بالنسبه رضا داد که مرا پذیرد. نخستین بار که در اطاق مصدق داخل شدم و طبق معمول من روی تختخوابی که مصدق روی آن لمیده بود نشستم بنظر میرسد مک کی از اینکه یک سرهنگ دوم روی تخت نخست وزیر ایران می نشیند متحیر شده بود. جهت مصدق فوراً با او دوستانه گرم گرفت. من تصور میکردم میتوانم ادعا کرد که اگر مصدق بتواند با کسی در گفتگو بنسجه برسد همانا گفتگو با مک کی است. اما مصدق متقاعد شده بود که سازمان ملل متحد بازرسه انگلیسهاست که میخواهند مصدق القا کنند تا شرکت نفت ایران و انگلیس را با انگلیسها بازگرداند. دنباله دارد

فرهنگ بسیج چماق داران تا با سواد شدن مردم خاتمه نمی یابد

که باید گفت که اشتراک مفاهیم و واژه ها قدم اول طی این طریق است و آیا واژه های مبهم تر از واژه انقلاب در جامعه امروز ما وجود دارد؟ بدلیل همین ابهام است که هر کس یا هر گروه خود را به میراث خواری انقلاب محقرتر می داند. مثلاً "انقلابی بودن یا نبودن وقتی با مفهوم پر خاشگری و عصیان سنجیده شود انطباق آن با فرهنگ روشنفکر مشکل می گردد و به این دلیل است که امروز کسانی بیشتر داعیه انقلابی بودن دارند که در عصیانگری معلول سرکوب و اختناق گوی سبقت ریخته اند در حالیکه اثر سرکوب روی روشنفکر بیشتر ایجاد بی تفاوتی است و شاید جدائی از خلق و مدرک گرائی در دانشگاهها از علائم این بی تفاوتی باشد (گرچه در پهنه این دایره معیوب علت و معلول چنان با هم می آمیزند که جدا کردن یکی از دیگری مشکل میشود) متأسفانه جامعه شناسان بررسی علمی انقلاب و تفکیک مراحل آنرا که بقیه " یکی هم دوران پر خاشجوشی است کاملاً "ارائه نکرده اند و همین هم یک گرفتاری بزرگ در تفسیر وضع دانشگاهها در رابطه با انقلاب است. آیا فرهنگ فعلی دانشگاهها که بیشتر برداختن به امور سیاست و تضاد عقاید است تا توجه به دروس باید برای انقلاب مفید دانست یا مضر؟ البته این بستگی به این خواهد داشت که قبول یابد کنیم که هر وحدتی مستلزم وجود تضاد ابتدائی است و اینکه اعمال قدرت و فشار در دانشگاهها نه تنها باعث سرکوب پر خاشگری نخواهد شد بلکه با سرخوردگی وی تفاوتی روشنفکران روبرو خواهد شد که مملکت را باز بدامان استعمار خواهد انداخت و این بی تفاوتی را با شعار های توده جبران نتوان کرد. اینجا زمان مطرح است آیا رسیدن بیک نتیجه زود رس و غیر دائمی بهتر است یا یک نتیجه دائمی ولی دیر رس؟ اگر جواب این سؤال طبق عقیده قانون شناختن و دائمی نمودن نتایج باشد شاید نتایج نهائی همین تضادهای دانشگاهی (روی آوردن شدید به سیاست بجای کار و درس) از تعطیل دانشگاهها (حتی به بهانه اعرام به روستاها) مفیدتر باشد مگر آنکه برگردیم به تاریخچه انقلاب فرهنگی (که سعی کردم از استعمال آن خودداری نمایم) و قبول کنیم که باز هم این واژه وجه المصالحه قدرت طلبی شده است.

باشد؟ و یا نظایر دیگر که امروز حتی مقامات رسمی در سخنرانی ها و مصاحبه هایشان آنچه از دشنام و ناسزا بیاد دارند نثار کنند از ساواکی و ضد انقلاب گرفته تا کافر و منافق و التقاطی و رسانه های عمومی هم اینرا بصورت فرهنگ سر اقتشار تلقین پذیر جامعه نقش می دهند. اگر فرهنگ موعود چنین است که هم اکنون به آن رسیده ایم. هم اکنون گروهها جمعیتها و انجمنهای مختلف بنام اسلامی مسلمان، شیعی خط امام و غیره در حقیقت دیگران را به الحاد و کفر و ضدیت با امام منتهم می کنند. خشن تر از آن دشنام و ناسزاهای رکیک افرادیست که به تظاهرات و به دیگران حمله می کنند و ظریفانه تر از آنهم درخواست امام جمعه تهران از پدران و شوهران است که زبان و بجه های خود را به نماز جمعه بفرستند. در حال حاضر این فرهنگ چنان رواج یافته که در مصاحبه های مقامات رسمی دشنامهایی مثل " کله پوک " شنیده میشود و کسی توجه ندارد که چگونه این فرهنگ جهالت ما را بجائی رجعت خواهد داد که برای رسیدن به همین وضع فعلی سالها وقت لازم باشد. در حال حاضر می بینیم روزنامه های منتشر میشود که فرهنگشان وحشی و ایجاد اختناق و ارتجاع در جامعه است. و اگر در باره مطبوعات قانونی هست که بتوان در همان محل جواب داد و دفاع کرد در باره رادیو و تلویزیون که اشاعه دهنده همین فرهنگ است هیچ قانونی وجود ندارد. در این مومسه حتی اگر بعضی کارمندان هم بخواهند جانب انصاف را رعایت و مواضع متقابل ترتیب دهند و پخش نمایند آنها را در بدر و بیگار می کنند همانطور که در رادیو تلویزیون مشهد در مورد پخش مصاحبه استنادار و سانسور مصاحبه سرپرست دانشگاه عمل کردند. کار سانسور در این مومسه به اصطلاح ملی به آنجا رسیده که وقتی نوشته های دکتر علی شریعتی در سالروز هجرتش خوانده میشود اسم مصدق را قسمتی که میگوید " پیشوایم دکتر مصدق " را حذف و گفته این معلم انقلاب را من می نمایم. و چرا نبرسیم که آیا اینست فرهنگ موعود حکومت کنندگان؟ در برابر چنین فرهنگی انتظاراتیکه عقاید افراطی پیدا نشود و رشد نکند بهیچوجه است. می بینیم که کاری که در زمینه مبارزه با عقاید افراطی شده درست نتیجه معکوس شده و انحصار طلبی باعث شده که

روى آوردن بطرف عقاید و رفتارهای افراطی روز بروز توسعه یابد. برای مقابله با این توسعه سعی در بستن دانشگاهها، حمله به دانشجویان تعطیل روزنامه و نظایر آنها وضع را وخیم تر میکند. این چنین فرهنگی- فرهنگ اعمال می دهد و بارها نشان داده شده که استبداد سرنوشتی جز سقوط ندارد. فرهنگ تعدیل عقاید (بجای مقابله و مبارزه) بهتر ثمر خواهد داد ولی محتاج زمان است. بقول قانون مردم باید بدانند به کجا میروند و خود این راه را برگزینند. آیا فرهنگ موعود معرفی کردن مردم پاکدل بعنوان مهاجم و چماق دار یا اغوا کردن مردم مهربان و ساده اندیش بر علیه دیگرانست؟ امروز هنوز هستند کسانی که چماق داران و مهاجمین را بعنوان ملت و مردم معرفی می کنند، در حالیکه حتی عده ای از سردمداران و بسیج کنندگان چماق داران و سلاخان همان بسیج شده ها را که بنام حزب اللهی به گروهها حمله کرده اند محکوم نموده و آنها را ضد انقلاب می نامند. ولی بهرحال فرهنگ بسیج چماق دار را زمانی که فرد فرد مردم آگاهی کافی برای اندیشیدن پیدا نکنند و با سواد نشوند خاتمه نخواهد پذیرفت.

آیا فرهنگ موعود (آنهم با صفت اسلامی) می تواند چنان باشد که اکنون عمل می- شود و هر کس حتی اگر پدر و جدش خطی و ربطی در اسلام داشته فتوی و توصیه صادر کند برای هر چیز و هر کس و تبلیغ در مقدس ترین مکانها و بجزای می توانم بگویم که در مواردی آشنائی صادر کنندگان این توصیه ها یا گیرندگان آنها بجزمت از دوران بنظر رسیدن انقلاب فراتر می رود و این واقعا " نه سفید کردن روی انقلاب است که بیشتر به زدودن چهره تابناک اسلام راستین می انجامد. و فرهنگ موعود اگر فرهنگ سایه افکنده بر میزگرد انقلاب فرهنگی باشد باید یکباره امید ترقی را از سر بیرون کرد، چرا که سخنگویان کمترین هم آهنگی و ارتباط را با هم حفظ نکردند و میز را بصورت یکسری سخنرانیهای بی ارتباط در آوردند تا حدیکه نتوانستیم بفهمیم آقای معادخواه راست می گوید که انقلاب ما فقط ۱۷ سال دارد با آقای تکمیل همایون و دیگران که آنرا طولانیتر ترسیم میکنند برآکندی در بحث بعدی بود

علی اصغر مینو
و که چه آسانست نشستن بر روی صندلیهای راحت پشت میز کرد (یا میز دراز) در برابر جمعیتی مشتاق بحث کردن پیرامون مسئله ای به وسعت جهان که حتی ۱۵۰ و ۲۰۰ تعریف هم برای شناختش و چه ساده اندیشیست امید بستن به اینکه با این نشست خواهیم توانست تصویری که از این چیز در آینه ذهن منعکس است معکوس و واژگون کنیم. و به چه مشکل است تلاطم انقلاب را در فرهنگ ایستاد تزییق نمودن و پنداشتن که با عملی سطحی مثل تعطیل محیطی محدود و امروز جدا افتاده یعنی دانشگاه این تزییق امکان پذیر خواهد شد. و شاید کسانی بپرسند که افرادی چون نویسنده که این مراسم را از تلویزیون مشاهده میکنند چه حقی دارند که در چنین امر وسیعی که مربوط به همه مردم است دخالت نمایند؟ و اظهار نظر آنان چه تاثیر می تواند بر متصدیان حکومت داشته باشد؟ ولی مگر نه این است که هر فرد جزئی از فرهنگ است و تلویزیون این جعبه جادو هم فرهنگ و هم فرهنگ ساز و منعکس کننده فرهنگ منقلب شده پس میتوانم مسائل را حداقل در همان سطحی که مشاهده می نمایم تفسیر و حلاجی کنم. حداقل می توان پرسید که اگر این میز نمونه فرهنگ منقلب شده نیست در فرهنگ موعود مسائلی از قبیل دیر آمدن - شعار دادن مارک زدن - حاضرین را بهیچ انگاشتن و بین خود و دیگران تفاوت قائل شدن چگونه تلقی میگردید؟ یا اگر ترتیب سخن گوئی شرکت کنندگان معکوس میشد چه تفاوتی در سخنانشان می گذاشت؟ بیارمونی سیردن اینکه کلمه انقلاب فرهنگی یک واژه سیاسی است که بیش از بیست سال ندارد مسیر و نتیجه گیری های بعدی را مشکل میکند و آنگاه که مشاهده میکنیم گروهی که سردمدار نشر این واژه در ایران بوده اند از شرکت در بحث طوفه می روند باید پرسیم واقعا " چه نوع فرهنگی برای ایران پیش نهاد میشود؟ آیا این فرهنگ باید فرهنگ دشنام و ناسزا و برجسب زدن باشد تا حدیکه در همان میز گرد سخنگوی دیر رسیده در حالی که دیگر سخنان را شنیده آنها را شعار بداند و کسی هم سؤال نکند مگر آنچه شما می گوئید شعار نیست و اساساً " مگر شعار هم جزئی از فرهنگ نمی

آیا همه دانشمندان و روشنفکران طاغوتی هستند و مغز شان غرب زده است؟

بقیه از صفحه ۱

دانشجویان و دواطلبان ورود بدانشگاهها که همیشه و مطابق معمول همه جا از طریق مسابقه صورت میگرفت تغییر داده شود و روش عادلانه‌ای لایحه از مسابقه منطقی‌تر عادلانه‌تر و بی غرضانه‌تر، بجای آن اتخاذ گردد، تا انقلاب فرهنگی صورت پذیرد.

باید گفت که این طرز شروع بکار انقلاب فرهنگی بی سابقه و بی تجربه هم نبود چنانکه دیدیم که چندی قبل یک عده با نام کارمندان و اعضای شورای اسلامی دادگستری در دادگستری آشوب برپا کردند و بعد از اعلام مقام‌ترین و خوشنام‌ترین و کارآزموده‌ترین

قضات محاکم عالی‌دادگستری بی حرمتی کردند و با تهدید و هتاک از سرکارشان بیرون ریختند تا بجای آنان مسلمانان خوشنام و کارآزموده‌تر دیگری گماشته شوند و باین ترتیب در دادگستری پاکسازی آغاز شد تا اگر آغاز شده بود تکمیل نزدیک شد.

انگیزه متجاوز از یکسال است که در دانشگاهها و فرهنگ و هنر هم پاکسازی میشود و هنوز بجایی نرسیده است و باید ادامه داده شود تا کجا؟ بنظر میرسد تا وقتی که دیگر استاد و دانشیاری در آنجا باقی نماند. چون از قرار معلوم همه دانشمندان روشنفکر طاغوتی هستند و مغز شان

ضمن تأیید این خبر گفت این هیات هم اکنون در بازداشت غیر قانونی بسر میبرد.

وی همچنین گفت که این عده قبل از حصول نتیجه در مورد رفع محاصره اقتصادی کردستان در روز جمعه توسط پاسداران کمیته توقیف و روانه زندان شدند.

مهندس حیدر بیگی مسئول جهاد سازندگی کردستان نیز صبح دیروز در یک تماس تلفنی با کیهان اظهار داشت:

صبح جمعه دوم خرداد ماه جلسه سازمان پزشکان، داروسازان و تکنسین‌های امور پزشکی در محل تشکیل جلسه ملی ایران با حضور آقایان دکتر آذر، دکتر سنجابی و دکتر ورجاوند تشکیل گردید.

در این جلسه درباره مسائل مربوط به این سازمان و مسائل مربوط به جبهه ملی ایران مذاکرات مفصلی صورت پذیرفت.

اعضای سازمان با توجه به وسعت رشته‌های بهداشت و درمان و تخصص‌های مربوط، پیشنهاد کردند تا نام این سازمان به "سازمان پزشکان و پیراپزشکان جبهه ملی ایران" تغییر یابد. همچنین تصمیم گرفته شد تا هر یک از پزشکان سازمان جلسه عمومی داشته باشد و جلسه بعدی سازمان به روز جمعه ۱۶ خرداد ماه ساعت ۹/۵ صبح در محل تشکیلات مرکزی موکول گردید.

مردم از هم میپرسند نکند برنامه‌هایی نظیر آنچه ۱۵ - ۱۰ سال قبل در اندونزی اجرا شد در اینجا در شرف اجرا است. درست یا غلط توی دهه‌ها افتاده که از ۱۴ - ۱۵ خرداد تصفیه و قلع و قمع همه جانبداری شروع میشود. از ناحیه بعضی محافل توصیه میشود کسانی که خانه‌های شناخته شده‌ای دارند از آن تاریخ حتی المقدور در خانه‌های خود نباشند. حالاهم که وکیل اول تهران در کرسی رسمی نماز جمعه چنین برنامه‌ای را با افتتاح مجلس نوبت داد، مسن نمیدانم

عکس‌العملی نسبت باین شایعات با اخبار از خود بروز نمیدهند؟ آن شی که یکی اندر کار چرا کمترین

چگونگی ...

بقیه از صفحه ۱
مسلمان کرد شناسائی شدند و سپس مراتب به اطلاع نیروهای انتظامی رسید و بلافاصله آنان دستگیر شدند و اتهام آنان همکاری با گروههای مسلح کردستان اعلام شده است.

یکی از مسئولان دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران نیز در تماسی با کیهان

گروه هم آئی پزشکان و پیراپزشکان
صبح جمعه دوم خرداد ماه جلسه سازمان پزشکان، داروسازان و تکنسین‌های امور پزشکی در محل تشکیل جلسه ملی ایران با حضور آقایان دکتر آذر، دکتر سنجابی و دکتر ورجاوند تشکیل گردید.

در این جلسه درباره مسائل مربوط به این سازمان و مسائل مربوط به جبهه ملی ایران مذاکرات مفصلی صورت پذیرفت.

اعضای سازمان با توجه به وسعت رشته‌های بهداشت و درمان و تخصص‌های مربوط، پیشنهاد کردند تا نام این سازمان به "سازمان پزشکان و پیراپزشکان جبهه ملی ایران" تغییر یابد. همچنین تصمیم گرفته شد تا هر یک از پزشکان سازمان جلسه عمومی داشته باشد و جلسه بعدی سازمان به روز جمعه ۱۶ خرداد ماه ساعت ۹/۵ صبح در محل تشکیلات مرکزی موکول گردید.

مردم از هم میپرسند نکند برنامه‌هایی نظیر آنچه ۱۵ - ۱۰ سال قبل در اندونزی اجرا شد در اینجا در شرف اجرا است. درست یا غلط توی دهه‌ها افتاده که از ۱۴ - ۱۵ خرداد تصفیه و قلع و قمع همه جانبداری شروع میشود. از ناحیه بعضی محافل توصیه میشود کسانی که خانه‌های شناخته شده‌ای دارند از آن تاریخ حتی المقدور در خانه‌های خود نباشند. حالاهم که وکیل اول تهران در کرسی رسمی نماز جمعه چنین برنامه‌ای را با افتتاح مجلس نوبت داد، مسن نمیدانم

عکس‌العملی نسبت باین شایعات با اخبار از خود بروز نمیدهند؟ آن شی که یکی اندر کار چرا کمترین

صاحب امتیاز: دکتر مهدی آذر
مدیر مسئول: اصغر بارسا
نشانی: خیابان کارگر (سهمی) نزدیک میدان اعیان
تلفن: ۹۲۱۲۰۰

این مجلس آینده که کارش بیداست اصلیت که فرغ و برگ و بارش بیداست از نحوه انتخاب دریاقتش "سالی کنکوست از بهارش بیداست" ادیب برومند

آمریکا ...

بقیه از صفحه ۱
میدانم که نباید موضع سختی گرفته شود طرف مذاکره نباید بزودی میز مذاکرات را ترک کند. علیرغم انتخابات و نبردهای که در جهت آزاد کردن کروگان‌ها هستند باید تقویت شوند نه اینکه آنها را تضعیف نمایند.

سؤال: کشورهای بیطرف با دول غیرمتعهد چه تفاوتی دارند؟
جواب: کشورهای بیطرف یعنی سوئیس، اتریش، سوئد مالکی هستند که به اردوگاه غرب و دنیای دموکراسی تعلق دارند و حال آنکه برای کشورهای غیر متعهد ایدئولوژی در میان دوم جای دارد. اتریش با اینکه یک کشور غیرمتعهد است اما با دنیای غرب عمیقاً پیوستگی دارد، بعبارت دیگر ما فقط از دیدگاه و مفهوم نظامی کلمه غیرمتعهد میباشیم شکل کشورهای غیرمتعهد مانند باشگاهی است که اعضا آن در حقیقت مقید به صورت خصوصی نیستند.

سؤال: تصمیم شما در مورد شناسائی سازمان آزادیبخش فلسطین جنجالی بود، همانطوریکه پیشنهادتان در مورد شرکت کوبا در حل بحران افغانستان بحث‌انگیز. چرا شما در این دو مورد اقدام کردید و اقدام خود انتظار دارید چه نتیجه‌ای بکیرید؟
جواب: ما کاری غیر از لازم بدانید.

سؤال: آیا می‌تواند در مقابل درگیری با شوروی بدون کشورهای دموکراسی اروپا مقاومت کند و یا بالعکس. ممکن است در این مورد گاهگاهی اختلاف عقایدی وجود داشته باشد اما اساساً آنها مانند دولتهای جسیده بهم غیر قابل جدا شدن هستند. سؤال: شما در مورد بایکوت و تحریمهای نظیر آنچه که ایالات متحده اعمال آنها را بر علیه ایران و همچنین شوروی بعلت تجاوز خاک افغانستان لازم میدانند چه نظری دارید؟
جواب: اینکه آیا چنین اقداماتی موثر هستند خودش یک سؤال است، اما شاید شما بعلت وجود افکار عمومی کشور-تان گاهی اعمال تخریبی را لازم بدانید.

این مجلس ...

بقیه از صفحه ۱
فردا که روز ولادت امام علی پیتوای بزرگ شیعیان است در مجلس حضور خواهید یافت و شکر خدا را که اکثریت قابل ملاحظه آقایان از مردان دین و حجج اسلام ترکیب یافته است.

شما فرمان امام به مالک اشتر را حتما خوانده‌اید و شاید کثرت مشاغل و گرفتاریهای انتخابات اخیر مانع مرور آن شده باشد و برای یادآوری خاطر شریف شما لازم است باین جمله از فرمان دقت کنید: "ای پسر حارت نرسو و جان را در مجلس شورای خویش راه مده که این عضو ضعیف هم خود میترسد و هم گوشش میکند پایه تصمیم و اراده اصحاب مشورت را سست و ناچیز نماید."

غربی یا غرب زده است و باید به هر نحو و بهانه‌ای که هست طرد گردند و استناداتی از میان مردم کوچه و بازار برگزیده شوند که رنج تحصیل و تحقیق نا برده بکشف حقایق علمی نائل شده باشند تا چنانکه در مقدمه لایحه قانونی تشکیل شورای عالی فرهنگ و آموزش عالی با عبارات مطمئن و مبهم - اگر جرات گفتن داشته باشم... بیان شده است "جهت گیری فرهنگ و آموزش عالی بسوی بنیهایت و حرکت در مسیری که بجانب الله شتاب می‌گیرد مقدمات تربیت انسان را فراهم می‌آورد و به عرضه روشهایی می انجامد که گام برداشتن بسوی بنیهایت را برای انسانها آسان می‌سازد، نه انسانها و نه استادان و نه دانشجویان. بنابراین دیگر به دانشگاههای موجود نیازی نیست باید آنها را تعطیل کرد و لابراتوارها و وسایل تحقیقاتی علمی را که با خون دل و سعی و کوشش استادان دانشمند آنها فراهم شده است دور ریخت و بدست تاراج و یغما سپرد" تا گام برداشتن بسوی بنیهایت آسان گردد دیگر دانشجویان ایران جداحتیاجی به کارکردن در آزمایشگاهها و دستگاههای تحقیقاتی و آموختن ریاضیات و فیزیک و شیمی و حقوق و فیزیولوژی و زیست شناسی و طب و ادبیات گرانبها و عالم آرای فارسی دارند و چه لازم است که برای کسب دانش و شناختن رموز و سر فلسفه شگفتن اتم و اختراع

میلا ...

بقیه از صفحه ۱
مقدس ایمان آورد و در راه پیشبرد هدفهای آئین محمدی با اعتقادی استوارتر از کوه قد مردانگی بر افراشت. چنانکه از یکسو با جانبازیها و دلاوریهای قهرمانانه خود دشمنان اسلام را منکوب کرد و از سوی دیگر در نشر تعالیم قرآنی و اجرای احکام آسمانی شاخص‌ترین و کاملترین مرد مؤمن در بین مسلمانان جهان گردید.

ما این میلاد مسعود را که از بهترین اعیاد اسلامی است بعموم مسلمانان شادباش میگوئیم و امیدواریم راه و رسم آن امام بزرگوار و پیشوای عالیقدر در این روزهای حساس انقلاب اسلامی سرمشق گردانندگان امور گردد و در مکتب جاویدان وی روش‌های والای انسانی مورد تقلید قرار گیرد.

از منظره کنندگان انقلاب فرهنگی از پشت تلویزیون خطاب به بالاترین مرجع اجرایی کشور از تصفیه همف جانموشدیدی در نیمه خرداد خبر داد و هیچکس پاسخی نداد. در رد این شایعه‌ها، ولی این نگرانی بوجود آمد. ولی حالا که مردم می‌بینند این کلمات از زبان وکیل اول تهران که تحت قاعده خاص و ائتلاف بزرگ گزیده شده است درمی‌آید حق دارند بسختی نسبت به حوادث و رویدادهای آینده پریشان و دلواپس باشند.

مردم از هم میپرسند نکند برنامه‌هایی نظیر آنچه ۱۵ - ۱۰ سال قبل در اندونزی اجرا شد در اینجا در شرف اجرا است. درست یا غلط توی دهه‌ها افتاده که از ۱۴ - ۱۵ خرداد تصفیه و قلع و قمع همه جانبداری شروع میشود. از ناحیه بعضی محافل توصیه میشود کسانی که خانه‌های شناخته شده‌ای دارند از آن تاریخ حتی المقدور در خانه‌های خود نباشند. حالاهم که وکیل اول تهران در کرسی رسمی نماز جمعه چنین برنامه‌ای را با افتتاح مجلس نوبت داد، مسن نمیدانم

عکس‌العملی نسبت باین شایعات با اخبار از خود بروز نمیدهند؟ آن شی که یکی اندر کار چرا کمترین

عکس‌العملی نسبت باین شایعات با اخبار از خود بروز نمیدهند؟ آن شی که یکی اندر کار چرا کمترین

عکس‌العملی نسبت باین شایعات با اخبار از خود بروز نمیدهند؟ آن شی که یکی اندر کار چرا کمترین

زندانها ...

بقیه از صفحه ۱
از آن هیولایی برای وحشت و اضطراب میسازید. مگر شما خمر سرخ هستید؟ من نمیدانم واقعا هم شاید برنامه‌ای در پیش باشد چونکه گوشه‌هایی از دو محاکمهای که در پیش تلویزیون بر روی صحنه آورد این تردید را افزایش میدهد که مسافانه فکر حاکم بر جریانات کشور بازگشت بچنین خشونت‌هایی است.

مردم از هم میپرسند نکند برنامه‌هایی نظیر آنچه ۱۵ - ۱۰ سال قبل در اندونزی اجرا شد در اینجا در شرف اجرا است. درست یا غلط توی دهه‌ها افتاده که از ۱۴ - ۱۵ خرداد تصفیه و قلع و قمع همه جانبداری شروع میشود. از ناحیه بعضی محافل توصیه میشود کسانی که خانه‌های شناخته شده‌ای دارند از آن تاریخ حتی المقدور در خانه‌های خود نباشند. حالاهم که وکیل اول تهران در کرسی رسمی نماز جمعه چنین برنامه‌ای را با افتتاح مجلس نوبت داد، مسن نمیدانم

عکس‌العملی نسبت باین شایعات با اخبار از خود بروز نمیدهند؟ آن شی که یکی اندر کار چرا کمترین

عکس‌العملی نسبت باین شایعات با اخبار از خود بروز نمیدهند؟ آن شی که یکی اندر کار چرا کمترین

عکس‌العملی نسبت باین شایعات با اخبار از خود بروز نمیدهند؟ آن شی که یکی اندر کار چرا کمترین

عکس‌العملی نسبت باین شایعات با اخبار از خود بروز نمیدهند؟ آن شی که یکی اندر کار چرا کمترین

عکس‌العملی نسبت باین شایعات با اخبار از خود بروز نمیدهند؟ آن شی که یکی اندر کار چرا کمترین

این مجلس ...

بقیه از صفحه ۱
فردا که روز ولادت امام علی پیتوای بزرگ شیعیان است در مجلس حضور خواهید یافت و شکر خدا را که اکثریت قابل ملاحظه آقایان از مردان دین و حجج اسلام ترکیب یافته است.

شما فرمان امام به مالک اشتر را حتما خوانده‌اید و شاید کثرت مشاغل و گرفتاریهای انتخابات اخیر مانع مرور آن شده باشد و برای یادآوری خاطر شریف شما لازم است باین جمله از فرمان دقت کنید: "ای پسر حارت نرسو و جان را در مجلس شورای خویش راه مده که این عضو ضعیف هم خود میترسد و هم گوشش میکند پایه تصمیم و اراده اصحاب مشورت را سست و ناچیز نماید."

عکس‌العملی نسبت باین شایعات با اخبار از خود بروز نمیدهند؟ آن شی که یکی اندر کار چرا کمترین

عکس‌العملی نسبت باین شایعات با اخبار از خود بروز نمیدهند؟ آن شی که یکی اندر کار چرا کمترین

عکس‌العملی نسبت باین شایعات با اخبار از خود بروز نمیدهند؟ آن شی که یکی اندر کار چرا کمترین

عکس‌العملی نسبت باین شایعات با اخبار از خود بروز نمیدهند؟ آن شی که یکی اندر کار چرا کمترین

عکس‌العملی نسبت باین شایعات با اخبار از خود بروز نمیدهند؟ آن شی که یکی اندر کار چرا کمترین